خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۱۱ شهریور ۱۳۹۶
۱۱ ذی الحجه ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۶۵۴

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

بدانید که هر کس با مردم منصفانه رفتار کند، خداوند جز بر عزّت او نیفزاید.
کافی (ط-الاسلامیه) ج۲، ص۱۴۴، ح۴

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
مران کسی را که تو خود خواندی
آشکار مکن گناهی را که تو خود پوشیدی

قاب روز

تصویری از نقاشی دیواری زیبای «شهید رجب محمدزاده» در بولوار حجاب مشهد، اثر برجسته احمد منصوب.

خراسان به روایت خراسان

۱۱ شهریور ۱۳۴۲

سکه‌سازان کارشان سکه بود

۵۴ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: گزارش خبرنگار ما حاکی است که پریروز مامورین دایره مبارزه با مواد مخدر شهربانی اطلاع یافتند که در منازل سه نفر تریاک موجود است. لذا به منظور بازرسی وارد خانه آن‌ها شده و پس از تفحص به جای تریاک تعدادی سکه‌های طلا متعلق به دولت قسطنطنیه را به دست آوردند که پس از تحقیق معلوم شد سکه‌های مزبور تقلبی هستند و به وسیله این سه نفر ضرب و ساخته شده‌اند. لذا جریان امر از طرف دایره آگاهی تحت تعقیب قرار گرفت و موضوع طی پرونده‌ای به همراه متهمین نامبرده به دادسرای مشهد معرفی شد. پرونده متشکله در شعبه ششم بازپرسی بررسی و پس از بازجویی و تحقیق هر سه نفر به اتهام تقلب در مسکوکات کشور به خارج کشور بازداشت و روانه زندان شدند.

● رباط خرابه به جای کشتارگاه

خبرنگار ما از خواف چنین نوشته است: ساعت ۸ صبح برای گرفتن مقداری گوشت به دکان یکی از قصابی‌ها رفتم. در این اثنا بازرس شهرداری سر رسید و خطاب به قصاب گفت: از این به بعد در کشتارگاه گوسفند ذبح نمایید. چون کلمه کشتارگاه را شنیدم به شک افتادم و اصل جریان را از نامبرده سوال نمودم. در جوابم رباط خرابه شاه عباس را به جای کشتارگاه معرفی نمود و نشانی داد. چون انتظار چنین جوابی را نداشتم، به بازرس شهرداری گفتم، درست است که مردم در این شهر کشتارگاه ندیده‌اند ولی شاید در سایر شهرستان‌ها دیده باشند و معمولا محلی را که در آن کشتارگاه ایجاد می کنند، باید روی اصول بهداشتی بنا شده و دارای آب جاری باشد نه اینکه دو کیلومتر از آب فاصله داشته باشد و اگر کشتارگاه همین است که شما می فرمایید، واقعا به ابتکار شهرداری باید دستخوش گفت.

چون بازرس شهرداری جواب مثبتی نداشت، به گفتارش ادامه داد و گفت: وظیفه ما انجام دستورات شهرداری است. این است نمونه‌ای از فعالیت شهرداری خواف که از رباط خرابه به جای کشتارگاه استفاده می نماید.

● کشف یک گنج از دوره قاجار

مقدار ۳۷۵۲ گرم سکه‌های نقره دوره قاجاریه که در قریه‌ای در بشرویه کشف شده بود توسط نماینده فرهنگ این شهر به اداره فرهنگ فردوس تحویل گردیدتا به اداره کل باستان‌شناسی کشور ارسال شود.

شایع است که دفینه کشف شده، بیش از این مقدار بوده و تحقیقات برای روشن شدن حقیقت امر ادامه دارد.

● حمله مغزی و سنگ خیابان، باعث مرگ زنی شد

خبرنگار حوادث ما اطلاع می دهد، روز گذشته زن جوانی که ۲۸ سال داشت در حین عبور از یکی از خیابان‌های بخش ۲، ناگهان نقش زمین گردید و بلافاصله درگذشت. جریان امر از طریق کلانتری به اداره پزشکی قانونی اطلاع داده شد و پس از معاینه طبیب قانونی، علت مرگ به جهت مبتلا بودن زن مزبور به مرض حمله مغزی و اصابت سرش با سنگ و شکستگی قاعده جمجمه اعلام شد. جواز دفن نامبرده صادر گردید و جسد به خاک سپرده شد.

نمای تاریخی

عکسی خاطره‌انگیز از میدان آزادی (فلکه پارک) مشهد مربوط به دهه ۷۰

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۵۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۱۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۵۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۲۰۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۷۵۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۵۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۸۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم			

حرف توی حرف

صالحی

کارگردان فیلم «پرسه در حوالی من» از مصائب فیلم سازی به سبک ایرانی می گوید:

مافیای اکران، نفس فیلم‌اولی‌ها را بریده است

با آن که جوان است، کارنامه موفقی دارد. فیلمی که این روزها بر پرده سینما دارد را محصول بحران سی سالگی اش می داند که گریبان او را گرفته و انگیزه‌ای فراهم کرده تا پشت دوربین بنشیند و اثری متفاوت خلق کند.

«غزاله سلطانی»، کارگردان فیلم «پرسه در حوالی من» با آن که در عرصه فیلم‌سازی هنوز گام‌های نخستین را تجربه می کند اما نگاهی دغدغه مند به جریان‌های اجتماعی پیرامونش دارد و تاکید می کند فکرهای جوان باید از زوایایی تازه این مسائل را زیر ذره‌بین ببرند.

اکران فیلم «پرسه در حوالی من»، در گروه هنر و تجربه سینما هویزه و استقبال خوب مخاطبان از این اثر در مشهد، بهانه این گفت‌وگو شد:

● انتخاب یک راه سخت

همیشه بازیگری مورد علاقه اش بوده و هست و از همان دوران ابتدایی در تئاترهای مدرسه شرکت داشته است اما آغاز حرکت جدی اش به سمت کارگردانی را به خاطر ندارد. از وقتی که یادش می آید، مجله فیلم می خوانده و به فیلم سازی فکر می کرده است.

سلطانی درباره ورودش به عرصه هنر می گوید: برای من ثابت کردن علاقه‌ام به خانواده و اجازه گرفتن از آن‌ها برای فعالیت در چنین عرصه ای، دشوار بود. به مثابه بسیاری از علاقه‌مندان به عرصه هنر با عرف رایج برای ادامه تحصیل در رشته‌های پزشکی یا مهندسی جنگیدم و با وجود تحصیل در رشته ریاضی-فیزیک آن هم در مدرسه تیزهوشان، راه خودم را رفتم.

این کارگردان جوان تهرانی، دوره یک ساله فیلم سازی را در مدرسه فیلم VFS ونکوور گذرانده و از سال ۸۹ با ساخت فیلم مستند «... و این آسمان آبی» به عنوان اولین اثر کوتاهش به صورت جدی وارد عالم فیلم سازی شده است. اثری تحسین شده که در مدت ۷۵ دقیقه به زندگی استاد عزت ا... انتظامی می پردازد. «کوچه ها باریکن»، «باغ بی برگی» و «شمیران شماره ۱۵»، از جمله دیگر فیلم های کوتاه داستانی و مستند وی است.

او با «باغ بی برگی» (سوژه پایان نامه کارشناسی ارشدش)، توانست جایزه بهترین فیلم هیئت داوران دانشجویی را در جشنواره کلرمونت-فرانداد فرانسه در سال ۹۴ کسب کند. اما «پرسه در حوالی من»، نخستین کار بلند سینمایی در کارنامه این کارگردان زن ایرانی است.

او برای آینده سینمایی خود، یک قصه اقتباسی کوتاه از یک داستان‌نویس معروف ایرانی را در نظر دارد و برای عملیاتی کردن آن، در پی یافتن سرمایه‌گذار است.

● فیلم اولی ها؛ اسیر چار چوب محدودیت ها

سلطانی به تشریح مشکلات پیش روی یک فیلم اولی در مسیر ناهموار فیلم سازی می پردازد. وی پس از مایوس شدن از شرایط ممیزی در کشورمان به دلیل انتخاب قصه یک کتاب برای موضوع فیلمش، کارنگارش فیلم نامه ای را از دل جریان های زندگی و احوالات جوانان هم سن و سال خودش آغاز می کند. وی می گوید: مشکل من بعد از فیلم‌نامه، پیدا کردن تهیه کننده و تامین بودجه‌ای برای ساخت این اثر بود که این مرحله خودش هفت خانی دارد.

او ادامه می دهد: هیچ روند روشن و مشخصی برای تهیه بودجه ساخت یک فیلم در ایران وجود ندارد، مگر این که فیلم نامه جذابی داشته باشی که مورد پسند واقع شود تا شاید تهیه کننده برای آن سرمایه جور کند. متاسفانه مانند امور دیگری که در کشورمان سر جای خودش نیست، این وظیفه مهم هم در فیلم سازی درست انجام نمی شود. تهیه کنندگان ما توقع دارند، کارگردان علاوه بر ساخت فیلم، سرمایه لازم را هم خودش تامین کند تا بعد از آن لطف کنند و در روند فیلم سازی مشارکت کنند. آن‌ها تنها به دنبال راهی آسان برای گذاشتن دستمزد در جیب شان می گردند.

وی ادامه می دهد: هم اکنون اغلب فیلم اولی ها با چنگ و دندان به دنبال یافتن سرمایه گذار هستند که از دو راه می توانند موفق شوند، یا خودشان هزینه ها را تقبل کنند یا تهیه کننده از طریق ارتباطاتش، فیلم نامه ای مورد پسند نهادهای دولتی ارائه کند تا بتواند پولی برای پروژه تامین کند. همه در آغاز این راه اسیر این مشکلات هستند.

● دبیران جشنواره ها، قانون گذار و مجری آن هستند

این کارگردان سینما با داشتن تجربه حضور و موفقیت در جشنواره‌های خارجی، از تفاوت این رویدادهای فرهنگی-هنری در ایران و دیگر کشورها چنین می گوید: مهم‌ترین مسئله نبود نظم و ترتیب در جشنواره های داخلی است. موضوع دیگر به نگاه و سیاست گذاری دبیر جشنواره مربوط می‌شود. در ایران، دبیران جشنواره‌ها قانون گذار و مجری آن هستند.

وی ادامه می‌دهد: لابی نکردن، سفارشی نبودن و رعایت حداقل های عدالت درباره همه فیلم ها و بها دادن به همه سلیقه ها از ضرورت های برپایی چنین گردهمایی های بزرگ فرهنگی و هنری است، اصولی که کمتر توجهی به آن ها از سوی مدیران و دبیران جشنواره فجر می شود. با انتخاب هر ساله دبیر جشنواره، همه سازوکارها هم با او تغییر می کنند که این نشان از قاعده و قانون مشخص، نداشتن مدیریت صحیح و توجه به شایسته سالاری است. هر دبیری با توجه به سلیقه و جمع دوستانش، جشنواره ای را راه می اندازد و بر اساس همان روابط رفاقتی هم کارها را پیش می برد.

وی تاکید دارد سینمای ایران یک سینمای در اصطلاح مردانه است که حتی فعالیت فیلم‌سازان زن هم در آن، دشواری های خودش را دارد. وی البته با وجود همه این رویکردهای اشتباه تاکید می کند: به عنوان یک زن، به بانوانی که در سال های اخیر با وجود تمام مشکلات و کاستی ها، محکم و موفق به راه خودشان در این عرصه ادامه می دهند، بسیار افتخار می کنم.

● جدال نابرابر فیلم‌ها بر پرده نقره ای

وی با انتقاد از شرایط نابه سامان اکران به ویژه برای فیلم اولی ها تصریح می کند: وجود بخش «هنر و تجربه» برای فیلم سازان مستقلی که در آغاز راه هستند، یک غنیمت است، زیرا حوزه اکران عمومی به قدری ترسناک و مافیایی است که اصلا اجازه حضور و نفس کشیدن را به فیلم سازان جوان نمی دهند؛ حتی در همین بخش «هنر و تجربه» هم تا بتوانند کارشکنی می کنند.

این کارگردان سینما خاطر نشان می کند: برای اکران اولین فیلمم مشورت گرفتم و به دلیل مبالغ نجومی انجام تبلیغات و دست های فراوان پشت پرده در حوزه اکران عمومی و نیز دغدغه بازگشت سرمایه، ایده نمایش «پرسه در حوالی من» در گروه «هنر و تجربه» مطرح شد. او ادامه می دهد: طبق قوانین شورای صنفی نمایش، هر فیلم باید کف میزان فروش را در هفته حفظ کند. از سوی دیگر، سینماداران حق دارند اگر فیلمی به هر دلیلی مخاطب نداشته باشد، فیلم را از روی پرده بردارند و اجازه ادامه نمایش آن را ندهند. راضی کردن صاحبان سینما که به فیلم‌سازی به عنوان یک تجربه تجاری نگاه می کنند، برای جایگزین کردن یک فیلم هنری به جای اثری مثل «نهنگ عنبر» تقریبا نشدنی است.

وی ادامه می دهد: برای این که فیلمم از همه این موانع جان سالم به در ببرد و صدمه نخورد، به نمایش آن در بخش «هنر و تجربه» رضایت دادم. البته باور دارم، بخش هنر و تجربه، حوزه‌ای توانمند است که دو شاخصه مهم دارد، یکی امنیت در اکران و دیگری فرصت دادن به مخاطبان برای آشنایی با اثر.

یادداشت

حسین ایمانی جرجامی

رئیس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

حاشیه‌نشینی محصول نظام توزیع غیرعادلانه است

رشد شتابان شهرها طی دهه های اخیر و دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها موجب بروز مشکلات عدیده ای مانند شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی و به تبع آن پیشی گرفتن نیازها بر امکانات موجود در شهرهای مختلف شده است. البته این پدیده تنها مربوط به ایران نیست بلکه این معضل عموما در کشورهای در حال توسعه و حتی در برخی کشورهای توسعه یافته هم مشهود است. علاوه بر موارد ذکر شده، تغییرات زیست محیطی و اقلیمی نظیر خشکسالی نیز به این مسئله دامن زده است. به طور مثال خشکسالی های اخیر در خراسان رضوی موجب مهاجرت بسیاری به کلان شهر مشهد شد و حتی بخشی از این هجرت از شهرهای کوچک‌تر به مقصد مرکز استان بود.

اما مشهد نیز با همه ظرفیت هایی که تا به امروز در آن فراهم شده، برای پذیرایی از این جمعیت مهاجر طی چند دهه گذشته، آمادگی کافی را نداشت. همین امر تبعاتی را در بخش های مختلف رقم زد که معضل آب یکی از آن‌ها بود. دشت مشهد امروز یکی از مراکز بحرانی به شمار می آید. برداشت بی رویه از منابع آن به بهانه سیرابی جمعیت ثابت و متغیر این شهر در کنار نبود مدیریت مصرف، معضلات امروز را منجر شده است.

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که ترکیب و هویت مشهد به شدت تغییر کرده و دیگر این کلان شهر نشانی از آن بافت هویتی اصیل گذشته را ندارد. به بیان دیگر یک نوع قطب بندی اجتماعی و اقتصادی در سیمای این شهر کاملا هویداست چنان که در یک نقطه، تجمع ثروت و در نقطه دیگر فقر شدید حاکم است که این مسئله شایسته کلان شهر مذهبی مشهد نیست. بنابراین عمده ترین و اصلی ترین دلیل پیدایش حاشیه شهر، مشکلات اقتصادی جامعه و توسعه نامتقارن در مشهد و استان بوده است.

تاکید این است که ظرفیت های توسعه به شکل عادلانه ای میان شهرها و روستاها توزیع شود چرا که نبود نظام توزیع عادلانه، منشاء این مشکلات بوده است. اما به راستی تحقق این مهم، به سادگی بیان کردن آن است؟

در حقیقت اگر در سال های گذشته، عمده سرمایه گذاری های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی معطوف به کلان شهر مشهد نمی شد و تمامی مزایا و خدمات به شکل عادلانه در پهنه استان توزیع می شد، طبعا این مشکلات به وجود نمی آمد.

به طور مثال در شرایط فعلی، کلان شهر مذهبی مشهد علاوه بر یک مرکز فعالیت های دانشگاهی، شهری اقتصادی و اجتماعی نیز است که در همه این حوزه ها ظرفیت های مطلوبی دارد، البته عمده کلان شهرهای ایران به همین صورت، تمامی منابع سرمایه گذاری را به سمت خود جذب کرده اند و اکنون تقاص این برنامه ریزی غیرعادلانه را می دهند. باید پذیرفت تغییر این رویه دشوار است و تنها یک نگاه مدیریتی کلان، برای اصلاح شرایط موجود در «بلندمدت» می تواند بستر ساز تغییر شود.

در کشورهای توسعه یافته، تلاش شده تا کارکردهای مختلف اقتصادی، گردشگری، تفریحی، درمانی و پزشکی میان شهرهای مختلف تقسیم شود. از این رو توصیه می شود میان سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی به دلیل تاثیر پذیری مسائل شان از یکدیگر، هماهنگی لازم برقرار شود تا نقش شهرهای میانی همچون شیروان، فاروج و... تقویت شود و بتوانند به عنوان قطب های جدید جمعیت جذب کنند. این امر فشار مهاجرتی به سوی مشهد را تا حدودی مهار می کند. در غیر این صورت، حاشیه‌نشینی در این کلان شهر تشدید خواهد شد و از آن جا که این پدیده با مسئله فقر و آسیب های اجتماعی گره می خورد، کنترل آن به مراتب دشوارتر خواهد بود.

بنابراین در وهله نخست، باید در سطح ملی برای این مسئله چاره اندیشی شود، به طور مثال هم اینک سیستان و بلوچستان دچار تغییرات اقلیمی است و جمعیت خود را از دست می دهد، از این رو در آینده ای نه چندان دور، شاهد مهاجرت بیش از پیش اهالی این استان به خطه خراسان رضوی خواهیم بود. این مقوله‌ای کتمان ناپذیر است که اگر از همین حالا برای آن راهکاری عملیاتی پیش بینی نشود، در آینده مشکلی جدید پدید خواهد آورد.

از سوی دیگر باید اذعان کرد متاسفانه مدیریت شهری در کشور ما بازیگر قدرتمندی نیست، چرا که تمام اختیارات شهر در دست مدیریت شهری نیست و پراکندگی در اداره شهر، مشهود است و هماهنگی میان دستگاه های موثر هم وجود ندارد. هر چند انتظار می رفت این هماهنگی ها با شکل گیری ساختاری نظیر شورای شهر تقویت شود اما اختیارات شوراها نیز به شهرداری ها محدود شد. در سال های اخیر هم به دلیل حاکم شدن سیاست گذاری های غلط، شهرداری ها به سمت کسب درآمد از طریق شهر فروشی سوق پیدا کرده اند تا از این طریق، هزینه پروژه های غیر ضروری و نمایشی را تامین کنند، از این رو این فرایند نیز باید اصلاح شود.

بنابراین می توان این گونه نتیجه گرفت که سامان دهی پدیده حاشیه‌نشینی غیر ممکن نیست چرا که اسکان غیر رسمی را به عنوان محصول سیاست های نادرست می توان مدیریت است. برای مدیریت این پدیده در شرایط فعلی می توان از تجربیات هبیتات (برنامه اسکان بشر ملل متحد) بهره برد اما متاسفانه تاکنون با وجود پرداخت هزینه های این مرکز، نتوانسته ایم از ظرفیت های آن به خوبی استفاده کنیم از این رو با برخورد سلبی و پلیسی نمی توان حاشیه نشینی و حاشیه نشینان را مهار کرد و باید حاشیه نشینی، انسانی مدیریت شود، مدیریت انسانی نیز مستلزم داشتن سیاست های روشن اجتماعی و تدوین برنامه هایی دقیق است تا تمامی این دستگاه ها به اجرای برنامه ها متعهد شوند. همچنین در این راستا، باید از ظرفیت نهادهای غیر دولتی و سازمان های بین المللی نیز استفاده کرد.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حامد بهداد در گفت و گویی با روزنامه قانون، به منتقدانی که ورود هنرمندان را به عرصه‌های مختلف نقد می کنند، چنین پاسخ داد: آن کسانی که می گویند، افراد مورد علاقه‌شان را محدود می خواهند، من برده ذهنیت مسدود دیگران نیستم و در واقع به عنوان یک فرد آزاد می خواهم در تمام فضایی که امکان دارد تنفس کنم، از جمله موسیقی، نمایش، تئاتر، سینما و... در نتیجه تا حدی که استعداد و دانشش را دارم فعالیت می کنم. دیدن گالری های نقاشی، عکس، مجسمه و... سطح سلیقه را بالا می برد و چشم را قوی می کند. باید بیشتر در مجاورت هنرمندان زمانه خود باشیم تا دچار انفعال نشویم.

نتیجه مساوی بازی ایران و کره و بی تفاوتی مسئولان نسبت به توفیقات تیم ملی فوتبال بازتاب‌هایی داشت که به واکنش رضا قوچان‌نژاد در اینستاگرامش منجر شد. این فوتبالیست به همراه دیگر هم تیمی هایش یک متن معترضانه واحد را منتشر کرد: «ما بودیم و یک جهنم. ما بودیم و کوره‌ای که کره‌ای ها ساخته بودند تا این بار بعد از پایان بازی، روی تابلوی ورزشگاه نتیجه به نفع آن ها ثبت شود. یک کشور بسیج شده بودند، از صدر تا ذیل. این سوی میدان فقط یک تیم همدل بود و دعای هواداران. یک تیم سراسر با انگیزه و مسلح به تدابیر کادر فنی. جنگیدیم و ده نفره شدیم اما باز هم حریف ما نشدند. کاش این جا هم عملکرد مسئولان مملکت و فدراسیون کره جنوبی را الگو قرار می دادند. افسوس! هیچ کس این جا انگار ندید که ما مسافر جام جهانی شده ایم. از صدر تا ذیل. خستگی به تن این تیم ماند. دستتان درد نکند. حالا دیگر پیروزی هم ارزشی ندارد. این جا موفقیت هم یتیم است...»

عکسی از پدر حاج قاسم سلیمانی در خانه پدری وی واقع در یکی از روستاهای کرمان به همراه وزیر بهداشت.

اکبر عبدی در مصاحبه با برنامه «فرمول یک» خاطره جالبی را از فیلم «خوابم می‌آد» ساخته رضا عطاران تعریف کرد. او گفت: رضا عطاران به خانه من آمد و گفت دوست دارم نقش مادر من را بازی کنی، من هم به این شرط قبول کردم که گریم شوم و بالباس به خیابان بروم و تا کسی بگیرم، اگر کسی متوجه نشد من مرد هستم، یعنی ما موفق شده‌ایم و کار می کنیم. این اتفاق را تست کردیم و زمانی که نتیجه داد، تازه قرارداد بستیم.